

Aldridge, A. Own, ed. *Comparative Literature: Matter and Method*. Urbana: University of Illinois Press, 1969. 334 p.

آلدريج، ا. اُون. *ادبیات تطبیقی: موضوع و روش تحقیق*. اُربانا: انتشارات دانشگاه ایلی نوی، ۱۹۶۹. ۳۳۴ صفحه.

آلدريج (۱۹۱۶-۲۰۰۵)، استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه ایلی نوی در اُربانا و سردبیر و بنیان‌گذار مجله *مطالعات ادبیات تطبیقی*، منتخبی از مقالات پنج سال نخست این نشریه را برگزیده و در این کتاب ارزشمند چاپ کرده است. وی دو هدف اساسی را در این کتاب پی می‌گیرد: تبیین قلمرو موضوعی و روش تحقیق ادبیات تطبیقی. به بیان دیگر، آلدريج با فراست و بینش علمی خاص خود مقالاتی را برگزیده است تا بتواند نظریه و کاربرد ادبیات تطبیقی را توأمان با هم در یک کتاب مطرح کند. به همین دلیل است که این کتاب کلاسیک ادبیات تطبیقی، علی‌رغم سالیان بسیار که از زمان چاپ اول آن می‌گذرد، هنوز به نظر بسیاری از استادان ادبیات تطبیقی دانشگاه‌های معتبر دنیا، درس‌نامه معتبری محسوب می‌شود.

کتاب به پنج فصل تقسیم شده است: ۱. نظریه و نقد ادبی؛ ۲. مکتب‌های ادبی؛ ۳. مضمون‌ها و مایه‌های غالب ادبی؛ ۴. انواع ادبی؛ ۵. روابط ادبی.

آلدريج کتاب را با مقدمه کوتاه «هدف و دیدگاه‌های ادبیات تطبیقی» آغاز می‌کند. در این مقدمه عالمانه، آلدريج به تشریح اصول نظری ادبیات تطبیقی می‌پردازد و سعی می‌کند تا ماهیت و هدف ادبیات تطبیقی را، که همواره مورد بدفهمی قرار داشته است، روشن کند:

هدف ادبیات تطبیقی، مقایسه ادبیات ملی، به آن معنا که یکی را در برابر دیگری قرار دهد، نیست. هدف اصلی ارائه روشی است که با استفاده از آن بتوان از منظری فراخ‌تر و جامع‌تر به آثار ادبی هر ملت نگریست. ادبیات تطبیقی از مرزهای ملی فراتر می‌رود تا جریان‌ها و مکتب‌های ادبی را در میان فرهنگ‌های مختلف در نظر بگیرد و ارتباط ادبیات را با سایر حوزه‌های دانش بشری بررسی کند (۱).

سپس دلایل خود را درباره تقسیم‌بندی کتاب به پنج فصل مشخص ارائه می‌کند. او معتقد است که موضوعات پژوهشی ادبیات تطبیقی در این پنج فصل کلی می‌گنجند: در فصل اول، آلدریج به نظریه و نقد ادبی می‌پردازد و از مقالات دو نویسنده صاحب نام، رنه ولک^۱ و ایهاب حسن^۲، برای آغاز بحث استفاده می‌کند. آلدریج معتقد است که ادبیات تطبیقی نه تنها نظریه و فلسفه جدیدی در ادبیات، بلکه رویکردی جدید در نقد ادبی است، لذا انتخاب این دو مقاله بسیار مناسب و به جا به نظر می‌رسد. در همین فصل، آلدریج با انتخاب دو مقاله دیگر به جایگاه نقد ادبی در ایتالیا و انگلستان نظری می‌افکند.

در فصل دوم، به بررسی نهضت‌های ادبی می‌پردازد و مکاتب رمانتیسم و سمبولیسم را از دیدگاه ادبیات تطبیقی با آوردن دو مقاله خواندنی مورد تحلیل قرار می‌دهد. فصل سوم به مضامین ادبی اختصاص دارد. اولین مقاله این فصل دراکولای تاریخی را در ادبیات غرب و اروپای شرقی مقایسه می‌کند و مقاله دوم به داستان هبوط آدم و نقش بنیادین آن در ادبیات مسیحی اختصاص دارد. فصل چهارم به انواع ادبی می‌پردازد و در سه مقاله رابطه مذهب و انواع ادبی، رمان مکاتبه‌ای و تنوع نوع حماسه را بررسی می‌کند. فصل پنجم، که طولانی‌ترین فصل کتاب است، در شش بخش به بحث روابط ادبی که از گسترده‌ترین حوزه‌های پژوهش در ادبیات تطبیقی است می‌پردازد. در بخش اول از این فصل، آلدریج تاریخ‌نگاری ادبیات را بررسی می‌کند و می‌گوید: «وظیفه مورخ ادبیات این است که به‌طور کلی پیشرفت فرهنگ ادبی را به ترتیب زمانی و با توجه به زمینه‌های فکری هر دوره پی‌گیرد» (۲۳). در بخش دوم این فصل، که به تاریخ اندیشه اختصاص دارد، آلدریج به تفاوت بین تاریخ ادبیات و تاریخ اندیشه اشاره می‌کند و می‌گوید: «در حالی که تاریخ ادبیات از منظری کلی و به ترتیب زمانی به ادبیات می‌نگرد، تاریخ اندیشه بر افکار و اندیشه‌های خاص تأکید دارد» (۲۲۴). در بخش سوم از فصل پنجم، آلدریج به موضوع تصویرسازی، یا به عبارت دیگر، به تصویری که از یک فرهنگ یا ملت در ادبیات قوم دیگری شکل گرفته است می‌پردازد. او این بخش را به‌درستی «سراب» می‌نامد و می‌گوید: «این تصویرها، همچون سراب‌اند؛

1. René Wellek
2. Ihab Hassan

شاید حقیقت داشته باشند، شاید هم غیر واقعی باشند» (۲۲۴). در بخش چهارم، ویراستار به منابع الهام و تأثیرات ادبی، که از سنتی‌ترین موضوعات پژوهشی ادبیات تطبیقی است، می‌پردازد. در بخش پنجم از این فصل، آلدریج به موضوع جدیدی یعنی رابطه ادبیات و جامعه می‌پردازد که در واقع بررسی ارتباط ادبیات با سایر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی است. وی اینجا در طی مقاله‌ای ارتباط تراژدی را با جامعه رومیان و یونانیان دوران باستان نشان می‌دهد. در پایان، در بخش ششم از فصل آخر، به رابطه ادبیات و علوم می‌پردازد و برای نمونه به گونه اشاره کرده می‌گوید: «به خلاف باور رایج، حقایق علمی برای گونه بسیار مهم بود و آن را، همچون سایر حقایق بشری، بخشی از شعر و شاعری می‌دانست» (۲۲۶). در مقاله‌ای که آلدریج برای این بخش برگزیده است، نویسنده مقاله به بررسی نظریه تکامل زیست‌شناختی و تأثیر آن در هنر و شعر می‌پردازد.

اصولاً چاپ مجموعه مقالات به دو صورت ممکن است: یکی مجموعه مقالاتی که نویسنده‌ای از میان آثار گذشته خود انتخاب می‌کند، و دیگری انتخاب مقالاتی از نویسندگان مختلف که در پیرامون محور خاصی مطلبی نوشته‌اند. در مقایسه، نوع دوم به چند دلیل مشکل‌تر است. ۱. گردآورنده چنین مجموعه‌ای باید دانش وسیعی از موضوع مورد نظر داشته باشد تا بتواند بهترین مقالات را انتخاب کند. ۲. چنین مجموعه‌ای از آن جهت که توسط صاحب‌نظران متعدد نوشته شده است از سبک نوشتاری یکسانی برخوردار نیست و این کار گردآورنده و ویراستار را سخت می‌کند. ۳. چنین مقالات در کنار هم به‌صورتی که بتواند توالی منطقی و علمی داشته باشد و خواننده را سردرگم نسازد به تبحر و تخصص نیاز دارد. آلدریج با تکیه بر توان و تجربه علمی طولانی خود به‌خوبی بر همه این مشکلات فائق آمده است.

مقدمه عالمانه این کتاب فلسفه تدوین آن را به‌خوبی بیان می‌کند. محوری که همه مقالات را به هم ربط می‌دهد موضوع و روش تحقیق در ادبیات تطبیقی در پنج حوزه بنیادین و اساسی این رشته است؛ حوزه‌هایی که شناخت آن برای هر پژوهشگر دانشجوی علاقه‌مند به ادبیات تطبیقی ضروری است. علاوه بر مقدمه کلی کتاب، آلدریج برای هر فصل مقدمه‌ای نیز نوشته است و بدین سان توانسته است این مقالات متنوع و متعدد را با یکدیگر پیوند دهد و وحدتی اندام‌وار ایجاد کند. البته محتوای

برخی از این مقالات به صورتی است که شاید بتوان آنها را در فصل‌های دیگری از این کتاب گنجانند. این امر کاملاً طبیعی است چون حوزه موضوعات پژوهشی ادبیات تطبیقی هم‌پوشانی بسیار با یکدیگر دارند و تفکیک و طبقه‌بندی آنها به صورت کاملاً متمایز ناممکن است.

کتاب ادبیات تطبیقی، موضوع و روش تحقیق آلدریج اثری ماندگار، علمی و خواندنی است و در برطرف کردن پاره‌ای از ابهام‌ها و بدفهمی‌های رایج درباره ادبیات تطبیقی مؤثر است. مطالعه این کتاب به پژوهشگران و علاقه‌مندان این شاخه از دانش بشری توصیه می‌شود. مقدمه کتاب، که کلیات نظری و کاربردی ادبیات تطبیقی را توضیح می‌دهد، توسط علی‌رضا انوشیروانی به فارسی ترجمه شده و به زودی در یک مجموعه مقاله به چاپ خواهد رسید.

سید مسیح ذکاوت
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی